



اولین نشست میز تخصصی «دولت اجتماعی» برگزار شد

آینده برجام با نگاهی به درون

یک روز پیش از اعلام تصمیم دولت آمریکا مبنی بر خروج از برجام، نشست تخصصی با عنوان «آینده برجام، نگاهی به درون» در تاریخ سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ در محل مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد.

به همت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، میز تخصصی دولت اجتماعی با هدف شناسایی اقدامات عملی و نمادین جهت تقویت رابطه دولت و جامعه تشکیل شده است. واضح است که درمان بسیاری از مسائل امروزی جامعه، تقویت پیوند دولت با جامعه یا به عبارت دیگر، ارتقا سرمایه اجتماعی دولت و افزایش اعتماد و مشارکت عمومی است که البته لوازم و شرایط خاص خود را می‌طلبد. اگر پیوند دولت با جامعه و همبستگی ملی قوی باشد، بسیاری از مسائل خارجی با همدلی و اتحاد ملی قابل حل خواهند بود و در غیر این صورت فشار خارجی و گسستگی داخلی، منجر به عواقب اجتماعی و سیاسی جدی و خطرناکی خواهد بود. میز تخصصی دولت اجتماعی سعی دارد به فراخور مسائل مختلف، از متخصصان و کارشناسان حوزه‌های مختلف بهره برده و در راستای هدف ارتقا پیوند دولت-ملت و افزایش همبستگی ملی و امید اجتماعی، راه کارهای علمی و عملی ارائه کنند. در اولین اقدام، به بهانه تصمیم دولت آمریکا در مورد برجام، نشست تخصصی با عنوان آینده برجام، نگاهی به درون در تاریخ سه شنبه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ یعنی یک روز پیش از اعلام تصمیم دولت آمریکا، در محل مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد و متخصصان نظرات خود را ارائه دادند. در این جلسه ابراهیم حاجیانی، احمد زیدآبادی، عبدالله رمضانزاده، تقی آزاد ارمکی، حمید امین اسماعیلی، حمید ضیایی پرور، یوسف مزارعی، ابوالفضل دلاوری، احمد شکیبا، محمد مهدی مجاهدی، محمد سعید احدیان، عبدالله گیویان، مهدی آهوئی، سجاد فتاحی و اسماعیل غلامی پور حضور داشتند.

در ابتدای جلسه دکتر حاجیانی معاون مرکز و دبیر جلسه، مسأله نشست را اینگونه مطرح کرد: با توجه به احتمال خروج آمریکا از توافق نامه برجام، سیاست فعالانه دولت ایران به ویژه در عرصه داخلی چه باید باشد تا پیامدهای منفی احتمالی کاهش یابد؟

در ابتدا دکتر مهدی آهوئی توضیح داد که با توجه به نشست‌های تخصصی پیشین در حوزه سیاست خارجی، تا حد زیادی مشخص شده است که دولت آمریکا قصد منفعل کردن و فشار آوردن به ایران را دارد و در این زمینه باید ایران سیاست فعالانه‌ای در پیش بگیرد و اجازه ندهد که بار دیگر اجماع بین المللی علیه ایران شکل بگیرد. دکتر آهوئی افزود: نتیجه تحقیقات تیم سیاست خارجی این بوده است که ایران باید در برجام بماند، حتی در صورت خروج آمریکا، و با شرکای اروپایی و دو کشور روسیه و چین وارد تعامل و سیاست فعالانه بشود.

در ادامه جلسه در راستای پرسش اولیه و مسأله اصلی جلسه، احمد زیدآبادی مسأله‌ای را مطرح کرد مبنی بر اینکه دولت در ایران تا چه حد توانایی و اختیار دارد که بتواند ابتکار عمل در حوزه سیاست خارجی و داخلی را به دست بگیرد؟ اگر دولت حدی از اقتدار و منابع را برای تصمیم‌گیری و اقدام نداشته باشد، پیشنهادات این جلسه عملی نخواهد شد. اگر دولت روحانی تصمیم بگیرد اما نتواند آن را عمل کند، اوضاع بدتر خواهد شد. بنابراین نیاز است که نظام به یک حدی از اجماع دست یابد و بین نیروهای سیاسی انسجامی شکل بگیرد که در غیر این صورت، دولت نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. احمد زیدآبادی افزود: ما برای کاهش هزینه‌ها نیازمند یک بازسازی سیاسی هستیم برای اینکه صورت مسائل ساده‌تر شود. ما باید به یک دولت- ملت برسیم که در چارچوب منافع تصمیم می‌گیرد.

در ادامه نشست، دکتر تقی آزاد ارمکی گفت: ایران در بحرانی‌ترین وضعیت ممکن به ویژه در حوزه داخلی است. اولین گام این است که بپذیریم در وضعیت بحرانی قرار داریم و این وضعیت را با مردم در میان بگذاریم. متأسفانه اعتماد اجتماعی و سیاسی به شدت پایین آمده است و این یکی از نتایج انکار این وضعیت بحرانی است. در این شرایط حساس، سران قوای مهم کشور به طور هفتگی با هم ملاقات ندارند و مسائل را با هم در میان نمی‌گذارند و این نشان از عدم انسجام و رهاشدگی مسائل کشور است. اصول‌گرایان در حال شادی هستند که دولت تضعیف می‌شود غافل از اینکه پیامد تضعیف دولت، فروپاشی کل سیستم است. جامعه در وضعیت کنونی، در مرحله یک انقلاب اجتماعی و یا یک شورش اجتماعی است و مسئولان باید این را عمیقاً بفهمند. تک‌تک افراد در جامعه قصه نارضایتی دارند و مسائل زیادی بر جامعه مانده که حل نشده است و باید حل شود.

در ادامه نشست، محمد سعید احدیان گفت: از نظر ایشان، تغییر سیاست آمریکا در مورد ایران و در پیش گرفتن سیاست تغییر رژیم، متأثر از دو عامل بوده است: اول زمینه داخلی مانند اغتشاشات دی ماه و شکاف‌ها و تنش‌های که در درون حاکمیت در ایران مشاهده کرده است و دوم بر سر کار آمدن تندروها در آمریکا. از نظر احدیان، در داخل باید شکاف در حاکمیت را ترمیم کنیم و جریان‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب با همدیگر گفتگو کنند. نکته دوم اینکه بر خلاف نظر دکتر ارمکی ایشان معتقد بود، باید به افکار عمومی انرژی مثبت بدهیم نه اینکه بگوییم وضع خراب است و آن‌ها را ناامید کنیم. باید رویدادهای مثبت با پیوست رسانه‌ای طراحی کرد که خروجی آنها افزایش امید باشد تا نگاه آمریکا به تغییر رژیم در ایران تغییر کند.

در ادامه جلسه حمید ضیایی‌پرور به ارائه نظرات خود پرداخت و گفت: دولت در ایران اساساً نه در داخل کشور و نه در خارج کشور رسانه ندارد. تنها رسانه دولت روحانی، شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند که طی یک منازعه جناحی، این رسانه‌ها فیلتر شدند تا دولت رسانه نداشته باشد. این در حالی است که دولت باید رابطه رسانه‌ای با مردم ایجاد کند. نه تنها نباید تلگرام قطع می‌شد بلکه دولت باید سعی می‌کرد توئیتر و فیسبوک را نیز رفع فیلتر می‌کرد. اما با اتفاقات رخ داده، اعتماد مردم به دولت کاهش یافته است و همانطور که مشاهده کردیم، به پیام‌رسان سروش نیز اعتماد نشد. همچون داخل، در سطح بین‌المللی نیز ارتباط رسانه‌ای دولت بسیار ضعیف است که باید برای آن تمهیداتی بی‌اندیشد. دولت باید زبان داشته باشد و با مردم خودش و با مردم و دولت‌های دنیا حرف بزند.

سپس ابولفضل دلاوری به ایراد سخن پرداخت و بیان داشت: برخی منازعات بین‌المللی، ادامه و تداوم منازعات داخلی بین جناحی در کشور هستند. در داخل، همه چیز وجه المنازعه شده‌است نه وجه المصالحه. خارجی‌ها هم دریافتند که جامعه ایرانی ملتهب و شکاف دولت و ملت تقویت شده است و بنابراین سعی می‌کند بر ایران فشار بیاورند. در حال حاضر وضعیت جامعه، نوعی انتظار و رخوت است که وضعیت خطرناکی است. هر چند برخی از سیاست‌های خارجی و داخلی را نمی‌توان در کوتاه مدت تغییر داد (هر چند باید برای تغییر و اصلاح آنها گام برداشت)، اما در کوتاه مدت باید نظام در ایران یک اقدام نمادین خارجی و یک اقدام داخلی در سطح استراتژیک انجام بدهد؛ به عنوان نمادهایی برای ورود به حل مسائل و منازعات خارجی و داخلی. دو اقدام نمادین داخلی و خارجی تکان دهنده و بزرگ باید هر چه زودتر اتفاق بیفتند تا جامعه و نظام سیاسی از رخوت بیرون بیاید. اقدام داخلی می‌تواند حل مسأله حصر باشد و اقدام خارجی ترمیم مسائل با عربستان باشد. اینها اقدامات استراتژیک هستند نه تاکتیکی. نباید وضعیت بحرانی شود و آنگاه مجبور به اقدام تاکتیکی برای برون رفت از بحران بیندیشیم. ایران باید تصمیمات استراتژیک به عنوان تغییر رویکرد در حل منازعات داخلی، منطقه‌ای و جهانی بگیرد.

در ادامه نشست، عبدالله رمضانزاده اظهار کرد: در حال حاضر نوعی وضعیت احساس بی‌دولتی در جامعه حاکم شده است. مردم نمی‌دانند و مطمئن نیستند که اگر مسأله‌ای پیش می‌آید، چه کسی یا چه مسئولی باید تصمیم بگیرد. به همین دلیل، مردم در وضعیت بلاتکلیفی و انتظار نمی‌توانند برای زندگی اقتصادی و روزمره خود تصمیم بگیرند و همه چیز به رکود کشیده می‌شود. به عنوان اقدام اساسی، منازعات سیاسی در حاکمیت ایران باید یکسره شود و مسئولیت‌ها مشخص شود.

سپس احمد شکبیا درباره راهکارهای درونی آینده برجام گفت: دینفعان رسمی باید به جای بازی پشت پرده، در آشکار و در انظار عمومی عمل کنند. دولت شفاف نبوده در این زمینه و مردم نمی‌دانند در مورد مسائل مختلف، تصمیم گیرنده چه نهادی است. متأسفانه الان احساس عمومی این است که کشور صاحب ندارد و متولی هر حوزه خاص معلوم نیست که چه نهادی است. در حال حاضر جامعه در وضعیت بحرانی است و اقدام اساسی نه در خارج، بلکه اقدام در جهت اصلاح داخلی است. باید گشایش سیاسی ایجاد شود تا امید به دولت افزایش یابد. درمان بسیاری از مسائل، با تصمیمات و داروهای غیر هسته‌ای انجام می‌شود. گشایش سیاسی و اجتماعی، می‌تواند درمان باشد.

سپس محمد مهدی مجاهدی به بیان نظرات خود پرداخت و گفت: دولت روحانی هدفش نرمال‌سازی وضعیت بوده است، اما مجموعه نیروهای داخلی و خارجی سعی در هل دادن دولت به وضعیت استثنایی داشته‌اند. برای بازگشت به وضعیت نرمال و عادی، باید از میل به امنیتی‌سازی و نظامی‌سازی همه حوزه‌های کاست و جلوی آن را گرفت. آمریکا می‌خواهد با به هم زدن برجام، وضعیت ایران را به وضعیت استثنایی و تصمیمات امنیتی و نظامی هل دهد. به همین دلیل ممکن است میل به دولت نظامی و گفتمان‌سازی برای آن تصادفی نباشد و فشارهای خارجی سعی دارد ایران را به این سمت سوق دهد: وضعیت استثنایی و دولت غیر عادی با تصمیمات استثنایی. اما ما نباید زیر این فشارها، به سمت وضعیت

استثنایی و تصمیمات استثنایی برویم. راه حل مسائل ایران، گفتگو و تفاهم برای ایجاد انسجام سیاسی است و باید به سمت گشایش سیاسی در داخل پیش برویم.

در انتها یوسف مزارعی به هم‌ریختگی وضعیت اجتماعی را ویژگی متمایز کننده دوره تاریخی کنونی دانست و بیان داشت: راه حل مسائل اساسی در ایران سیاسی است و چون در سیاست اتفافی و تحرک اساسی رخ نمی‌دهد، سال‌ها می‌گذرد اما مسائل مختلف پابرجا می‌ماند. آنچه وضعیت امروز را از وضعیت سال ۹۱ متفاوت می‌کند، وضعیت اجتماعی است و آن هم ناامیدی و انتظاری است که در جامعه وجود دارد. وضعیت اجتماعی به دلایل مختلف به هم ریخته است؛ مطالبات سیاسی و اجتماعی کهنه‌ای وجود دارد که سال‌ها حل نشده‌اند و به همین دلیل نارضایتی اقشار گوناگون بالا رفته است. ناکارآمدی دولت در مواجهه به جریان‌های قدرتمند رقیبش، ناامیدی را افزایش داده است. البته خود دولت نیز اقدامات ناامیدکننده زیادی انجام داده است که ناامیدی را افزایش داده است که اولین اقدام در انتخاب کابینه بود. در حال حاضر سرمایه اجتماعی دولت در حال زوال است اما دولت کاری برای جلوگیری از آن نمی‌کند و در یک حالت انفعال قرار گرفته است. جریان مقابل دولت هم تمام سعی خود را می‌کند تا تمام امیدهای اجتماعی را از بین ببرد. این شرایط تعلیق، نیازمند سیاست فعالانه تر دولت برای بازگرداندن امید اجتماعی است.